



دانشگاه قم
دانشکده الهیات
پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان:

بررسی و نقد شبهات و اتهامات مستشرقان درباره شخصیت پیامبر اسلام

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمدعلی تجری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمدجواد نجفی

نگارنده:

نوروز ادبی

پاییز ۱۳۸۸

تقدیم به:

رسول مکرم اسلام «محمد مصطفی (ص) و اهل بیت طاهرینش (علیهم السلام)»

چهارده منصور آمده کلهم نور علی نور آمده

چهارده نور به دریا متصل چهارده نوح جدا از آب و گل

به ویژه خلیفه ثانی عشر رحمان، تجسم قرآن، عصاره فضایل خوبان، جان جهان، قطب عالم امکان، پناه بی پناهان، آرزوی مشتاقان طاووس اهل جنان، صاحب العصر و الزمان، امام انس و جان، ذریه زهرا و امیر مومنان، مدافع محرومان و مستضعفان، منتقم خون مظلومان و بی گناهان، موعود خدای منان، بقیه الله الاعظم آخرین حجت خدای رحمان، حجه بن الحسن العسکری «روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء»

سپاس و قدردانی:

پس از حمد و ثنای الهی، سپاس خویش را نثار همه بزرگوارانی می‌نمایم که این حقیر را در زمینه‌های گوناگون تحقیق یاری نموده‌اند. اگرچه این عزیزان را نیازی به قدردانی بنده نیست، اما به رسم ادب و ذکر اسامی ایشان دین خود را ادا کرده و پاداش وافی ایشان را از خداوند مسألت دارم

این بزرگواران عبارتند از:

- ۱- جناب آقای حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی تجری که از قلم و تجربه‌شان در نگارش این اثر یاری فراوان گرفتم
- ۲- آقای دکتر محمدجواد نجفی که با ارشادات خویش دریچه‌های پژوهش را برای زمانی فراتر از این رساله یاری نمودند.
- ۳- مسئولین محترم مرکز فرهنگ و معارف قرآن واحد قم که گنجینه‌ای بی‌بدیل از منابع قرآنی را برای پژوهشگران فراهم آورده‌اند و به راستی که جز با استمداد از این گنجینه راه پژوهش قرآنی دشوار خواهد بود.
- ۴- و بالاخره خانواده بزرگوار اینجانب که سختی‌های دوران خویش را با شکیبایی پذیرا شده‌اند.

چکیده:

در طول تاریخ شخصیت‌های بزرگ و انسان ساز همواره از سوی مخالفان کینه‌توز در معرض اتهامات و نسبت‌های ناروا قرار داشته‌اند و به حضرت رسول(ص) که برگزیده‌ی خلق عالم است از همان صدر اسلام اتهامات زیادی نسبت داده شد و این موضوع در دوره‌ی معاصر توسط مستشرقان شدت بیشتری گرفت. مهم‌ترین نسبت‌هایی که مستشرقان درباره‌ی زندگی و شخصیت حضرت رسول(ص) مطرح نمودند عبارت‌اند از: شاعری، کهنات، بیماری صرع، جنون، ساحری. در این رساله سعی شده است. نوع اتهامات و نیز پیشینه مطرح شدن این شبهات و همچنین اغراض و انگیزه‌های آنان از این اقدام بر اساس شواهد قرآنی، دلایل عقلی، تاریخی، عرفانی و تحلیل‌های روان‌شناسی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. و در پایان نتایج و دستاورد هر یک از اتهامات و شبهات مورد ارزیابی صورت پذیرفت.

واژگان کلیدی: پیامبر، مستشرقین، اتهامات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

بررسی اتهامات افراد برجسته و ممتاز هر زمان برای شناخت شخصیت واقعی آنها و برای درک حقائق تلخی که در جامعه آنها موجود بوده از نظر علمی دارای نتیجه‌ای دقیق و سازنده است.

دشمن برای جلوگیری از نفوذ شخصیت‌های بزرگی که به طور سریع در دل توده‌ها جا باز می‌کنند، ناجوانمردانه تهمت‌هایی را انتخاب می‌کند که در آن جامعه مورد نفرت عمومی است، تهمت‌هایی که عظمت علمی و عملی متهم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، و حتی احتمال آن، احساسات توده را علیه متهم تحریک می‌نماید.

که چنین دشمنی‌ها را می‌توان پس بعثت آخرین پیامبر الهی و ظهور کامل‌ترین آیین آسمانی از افق مشرق و دعوت جهانیان از ناحیه حضرت محمد(ص) و استقبال بی‌نظیر و چشم‌گیر بسیاری از غریبان- هم چون شرقیان- به این دین جامع و سالم و فطری، دستگاه حاکمه سیاسی غرب و فرمانروایی دینی کلیسا و پاپ که به نحوی با یکدیگر متحد شده بودند- احساس خطر کردند و به تهاجم علیه دین اسلام به تهمت‌های ناروا برخاستند.

این واقعیت در تاریخ زندگی شخصیت‌های بزرگ کاملاً محسوس است، بنابراین شناخت ماهیت تهمت‌ها، راهی است برای پی‌بردن به میزان شخصیت مردان بزرگ.

تمام انبیا بدون استثنا به شدت مورد اتهام مخالفین قدرتمند خود بودند، دشمنان نهضت تکامل آفرین آن‌ها که هیچ‌گونه ضعفی در زندگی این ابر مردان- که در راه رشد و کمال جامعه از همه چیز دست شسته بودند و کم‌ترین سود شخصی از مبارزات خود منظور نداشتند- نمی‌یافتند، ناچاراً و ناجوانمردانه متوسل به تهمت می‌شدند و با تمام امکاناتی که در اختیار داشتند انواع تهمت‌ها را به سوی پیامبران خدا سرازیر می‌نمودند اما نوع اتهامات در هر دوره اندک متفاوت بوده است.

به ویژه دونوع تهمت در تمام اعصار علیه تمام انبیا شایع می‌شد یکی سحر و دیگری جنون؛ و سه اتهام کهنات شاعری و بیماری صرع تنها به پیامبر نسبت داده شد.

این نوع اتهامات کاملاً حساب شده و دقیق بود، زیرا عامل مهم نفوذ انبیا و شخص پیامبر(ص) در دل توده مردم دو چیز بود: یکی منطق نیرومند و متین آنها، و دیگری کارهای خارق‌العاده‌ای که به عنوان دومین سند در کنار استدلال‌های علمی برای اثبات ارتباط با منبع وحی به دست آنها انجام می‌شد.

مخالفین نهضت تا عصر حاضر با شایعه جنون و سحر بر شخصیت پیامبر(ص) می‌خواستند کاری کنند که مردم بدون این که در سخن او (نبی(ص) بیندیشند، تنها به جرم اینکه حرف‌هائی تازه دارد، بجرم اینکه مطالبی می‌گوید که پدربزرگ‌ها و ریش سفیدهای قبیله نشنیده‌اند رهبر نجات جامعه را محکوم به بی‌فرهنگی و برخلاف علم و عقل قلمداد نمایند!

و با اتهام شاعری و کهنانت که فقط در صدر اسلام بر پیامبر اسلام(ص) وارد شده است و همچنین با اتهام بیماری صرع که فقط توسط مستشرقان مطرح شده می‌خواستند شخصیت پیامبر(ص) را غیرواقع‌بینانه و مسئله وحی را الهام تجربه بشری بپندارند اما اینگونه اتهامات دو مسأله در پی خواهد داشت: «پژوهش درباره ویژگی‌های فردی و مطالعه زندگی آن حضرت» و دیگری «پاسخ قرآن در برابر این گونه اتهام‌ها» می‌باشد چون بیشتر جنبه شخصی دارد.

فصل اول:

کلیات

بیان مسأله تحقیق

روزی که دنیای بشریت در جهل و نادانی به سر می برد، و ظلمت و تاریکی عالم را فرا گرفته بود، پیامبر اسلام در افق هستی طلوع کرد و عالم را به نور و دانش و بینش خود که از آفریده هستی مدد گرفته بود، روشن ساخت.

و درس‌های آموزنده خود را یکی پس از دیگری برای طبقه ای که نتوانستند عادت و رسوم ننگین محیط را کنار زنند و در صف انسان‌های زنده جهان درآیند، القا کرد.

اما دشمنان از پای ننشسته‌اند، پیوسته در مقام مبارزه با اساس دین و مکتب اسلام به صورت‌های مختلف پافشاری کردند، از جمله آنها تهمت‌های ناروایی بوده که بر شخصیت پیامبر(ص) وارد شده است این دشمنان در دوره‌های اخیر نقشه تازه ای را ترسیم نموده‌اند و به بازار جهان عرضه داشته‌اند.

که حتی بزرگان و روشنفکران عالم اسلام را هم فریب داده و می پندارند که راستی این دسته از مردم دانشمند به دنبال تحقیق گام برداشته و برای رسیدن به واقع جستجو می کنند.

غافل از اینکه این گروه که به نام مستشرق و محقق نامیده می شوند در صف‌های مختلف جامعه به صورت‌های گوناگون جلوه می کنند و با نداشتن دید اسلامی با الفاظ و منطقی فریبنده مطالبی را یادآور می شوند که در لابه لای آن‌ها ریشه دین و مذهب را از بیخ و بن می زنند.

سوالات تحقیق

۱- اهداف و انگیزه مستشرقان در خصوص طرح شبهات و اتهامات بر شخصیت پیامبر(ص) چه بوده است؟

۲- فرق برخی از این شبهات و اتهامات وارده بر شخصیت پیامبر(ص) با معجزه در چیست؟

۳- قرآن چه پاسخی در قبال شبهات و اتهاماتی مثل شاعری، کهنات، جنون، بیماری صرع و ساحری پیامبر(ص) داشته است؟

۴- آیا مخالفان پیامبر(ص) در عصر نزول به چنین انگیزه و اهداف مستشرقان نسبت به شخصیت پیامبر(ص) را دارا بوده اند؟

۵- آیا مستشرقان همان شبهات و اتهامات مخالفان در صدر اسلام را بر شخصیت او داشته‌اند یا اینکه اتهامات جدیدی در قالب آن اتهام وارد ساخته‌اند؟

فرضیه

- ۱- دیدگاه مستشرقان در خصوص شخصیت پیامبر(ص) کامل نبوده و ناشی از اطلاعات کم آنها و یا سوء فهم و احیاناً غرض ورزی آنها بوده است!
- ۲- تفاوت اساسی بین این شبهات و اتهامات با معجزه دیده می‌شود!
- ۳- قرآن در مقابل این شبهات و اتهامات مبنی بر شخصیت پیامبر(ص) جواب قاطع و قانع کننده‌ایی ابراز داشته است!
- ۴- نظر می‌رسد که چنین اتهامات و شبهات ریشه در عصر جاهلی داشته است!
- ۵- مستشرقان علاوه بر اتهامات و شبهات مخالفان در صدر اسلام، اتهامات و شبهاتی جدیدی در قالب اشعار، سجع و جنون و سحر در عصر جاهلیت بر شخصیت پیامبر(ص) پی ریزی نمودند.

ضرورت انجام تحقیق

شبهات و اتهامات مستشرقان نسبت به شخصیت پیامبر(ص) اگرچه باطل و ناپذیرفتنی باشد اما نباید بی‌پایگی این اتهامات و اشکال‌های آنان، ما را بر آن دارد که دست از مطالعه علمی و دقت در آن‌ها برداشته و با شعار «الباطل یموت بترک ذکره» انبوه شبهه‌ها و اتهامات دشمنان بر شخصیت پیامبر(ص) را به حال خود رها کرده و مطمئن باشیم که در هیچ کسی تاثیر نخواهد گذاشت.

اتهامات و شبهات اسلام‌شناسان غربی علیه شخصیت پیامبر(ص) چنان گسترده و سهمگین است که باورهای ایمانی و ارزش‌های انسانی و اصالت‌های استقلال انسان شرقی را به خطر انداخته و تجهیزات و امکانات فوق‌العاده و شگفت‌آور جدید خبری و اطلاع‌رسانی آنان اعم از کتاب‌ها، روزنامه‌ها، دایره‌المعارف‌ها، مجلات و سایت‌های اینترنتی، ماهواره‌ها، مراکز آموزش عالی حقیقی و مجازی دشمنان ما را در این اتهامات بی‌نهایت مسلح نمود.

بسیار شگفت‌آور است که ما مسلمانان و دانشمندان اسلامی از انواع ابزارهای فرهنگی و محتوای آنان غافل باشیم و این اولین واجب را ترک نماییم.

پیشینه تحقیق

در طول تاریخ، به ویژه سده‌های اخیر محققان اسلامی به بررسی و نقد و آراء مستشرقان پرداخته‌اند، اما باید اعتراف کرد که این مقدار اندک در برابر انبوه تالیفات و تبلیغات و کنفرانس‌ها و فیلم‌ها و برنامه‌های استشراق بسیار ناچیز است. اگرچه در خصوص موضوع استشراق و فعالیت‌های آنان به طور کلی، تاکنون به زبان عربی بیش از دویست کتاب تالیف شده که در نوع خود توانسته است تا حدود زیادی به رفع شبهات مطرح در میان مسلمانان عرب زبان بپردازد، متأسفانه تاکنون به زبان فارسی کمتر از انگشتان دست تالیف یا ترجمه در این زمینه وجود دارد که برخی از آن‌ها به صورت محدود و پراکنده به موضوع مورد نظر این پژوهش پرداخته‌اند که بعنوان نمونه به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:

آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره عمر ابراهیم رضوان، الوحی المحمدي رشیدضا، المستشرقون و القرآن الکریم، محمد امین حسن محمدبن عامر، الاستشراق فی الفکر الاسلامی المعاصر محمد عبدالله شرقاوی، المستشرقون و الدراسات القرآنیة محمدحسین علی الصغیر، المستشرقون و شبهاتهم حول القرآن الکریم محمد باقر حکیم، الاستشراق و القرآن العظیم مردان عبدالصبور شاهین، السیره النبویه و اوهام المستشرقین عبدالمتعال محمد الجبری، من افتراعات المستشرقین علی الاصول العقديه فی الاسلام عبدالمنعم فواد، الرسول(ص) فی کتابات المستشرقین، نذیر حمدان. محمدبین الحقیقه و الافتراء محمد ابولیلہ، مستشرقان و قرآن محمدحسن زمانی، فرهنگ کامل خاورشناسان تألیف عبدالرحمن بدوی ترجمه شکرالله خاکرند، سیرتاریخی و ارزیابی اندیشه شرق شناسی تألیف محمدالدسوقی ترجمه افتخارزاده، نقد آثار خاورشناسان مصطفی حسینی طباطبایی، خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی تألیف محمدحسین علی الصغیر ترجمه محمدصادق شریعت، تاریخ صدر اسلام غلامحسین زرگری نژاد رویکرد خاورشناسان به قرآن که این کتاب پایان‌نامه فوق لیسانس آقای تقی صادقی بوده است.

با توجه به جستجوی کامپیوتری که از طریق واحد تحصیلات تکمیلی دانشگاه قم به عمل آمده و نیز تفحص شخصی اینجانب که از کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی انجام گرفت هیچ مقاله، پایان‌نامه یا کتابی که در موضوع نقد و بررسی شبهات و اتهامات مستشرقان درباره شخصیت پیامبر(ص) به رشته تحریر در آمده باشد بدست نیامد.

مشکلات و محدودیت تحقیق

مشکلات و محدودیت این تحقیق از دو جهت قابل تبیین و توضیح می‌باشد.

الف) نقد و بررسی آراء مستشرقان راجع به پیامبر اسلام (ص) اگر چه موضوعی شایسته و بایسته تحقیق است ولیکن گستردگی موضوع از یک سو و محدودیت زمان تحقیق از سوی دیگر ما را ناگزیر می‌سازد که محدوده پژوهش را نیز محدود نمائیم از این رو نقد و بررسی ما نیز محدود به اتهامات و شبهاتی در آثار مستشرقان و کلمات مشرکان عصر نزول قرآن هر دو به نوعی مشاهده می‌شود.

ب) و دیگر اینکه گرچه منبع و مأخذ عموم نظریات و نقدهای دانشمندان غالباً عربی و فارسی است که نگارنده به صورت گسترده از آنها استفاده کرده است، اما از آنجا که آرای مستشرقان اصولاً به زبان‌های لاتین (انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و غیره) نگارش یافته‌اند، نگارنده فقط می‌توانست از کتاب‌های انگلیسی‌اندکی استفاده مستقیم کند، بالطبع برای اطلاع از آرای مستشرقان به منابع واسطه مراجعه می‌کردم که برخی از آنها ترجمه عین تألیف مستشرقان به عربی یا فارسی بود، و بسیاری از آنها ترجمه آرای غربیان توسط نویسندگان عرب زبان صورت گرفته بود، که کتاب‌های خودشان به عربی برگردانده بودند. به همین جهت نگارنده گاهی در تکمیل دیدگاه‌هایشان با محدودیت مواجه بودم علی‌رغم آن که در مراجعه به این منابع واسطه و نقل قول‌ها همیشه حزم و احتیاط را مراعات می‌کرد تا کمتر دچار نسبت‌های غیرواقع‌بینانه شود، اما قطعاً شایسته است این تحقیق توسط زبان دانان دیگری تکمیل شود که می‌توانند مستقیماً به کتاب‌های اصلی غربیان با همان زبان‌ها اصلی اروپایی مراجعه نمایند.

تعریف شرق شناسی

اکنون که سخن از اتهامات مستشرقان است شایسته می‌نماید به تعریف شرق شناسی پردازیم.

الف) شرق در لغت

«شرق» در لغت به معنای برآمدن و تابان شدن است^۱. اما «شرق شناسی» یا «خاورشناسی» که در عربی از آن به «استشراق» یاد می‌شود، معادل واژه انگلیسی «ORIENT ALISM» است.

^۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا (تهران: موسسه انتشاراتی دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶)، ص ۱۲۷۳.

اجزای ترکیب «شرق شناسی» از دیرباز در بیشتر زبان‌ها وجود داشته است، اما هیچ یک از لغات و فرهنگ‌ها، تا پیش از ۱۷۷۹ م^۱ یا ۱۷۸۰ م^۲ که این واژه در زبان انگلیسی پدید آمد. با آن آشنایی نداشتند.

سیر تحویل واژه مذکور، نشانگر این است که ظاهراً واژه «ORIENTALIST» ابتدا به دانشجوی اهل مشرق زمین اطلاق می‌شده و سپس «ORIENTALISM» در سال ۱۸۱۲ م. در فرهنگ آکسفورد به معنای «شرق شناسی» به کار رفته^۳ و در سال ۱۸۳۸ م. در فرهنگ آکادمی فرانسه وارد شده است.^۴ و در سال ۱۸۱۲ م. وارد فرهنگ آکسفورد شد^۵ کلمه «استشراق» از ریشه شرق به معنای خاور است.

بر اساس تعریف ارائه شده در المنجد، مستشرق کسی است که آگاه از لغات «زبان‌ها» و آداب و رسوم و علوم شرقی باشد اسم مشتق آن «استشراق» است^۶ واژه ORIENTALISM مرکب از دو جزء است «ORIENTAL» و «ISM» و فرهنگ آکسفورد این دو جزء را چنین معنا کرده است:

ORIENTAL = EASTERN(ORIENT) COUNTRIES OF THE. (FAR) EAST-
CE. GIAPAN, CHINA
ISM- Anydisin ctive , system or philosophy^۷

یعنی «شرق» عبارت است از شرق دور مانند ژاپن، چین. «ISM» به هر سیستم یا فلسفه مشخص می‌گویند»

فرهنگ آکسفورد کلمه ی «Orientalism» را این گونه معنا کرده است:

orientalism- studies the language, arts , ete of oriental coutries.^۸

یعنی «خاورشناسی مطالعه زبان هنر و دیگر امور کشورهای شرقی است».

۱. عمر بن ابراهیم رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم (ریاض: دار الطبیعه، ۱۹۹۲م)، ج ۱، ص ۲۳.
۲. ادوارد سعید، شرق شناسی، ترجمه: عبدالرحیم گواهی (تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱)، ص ۳۷۶.
۳. تقی صادقی، رویکرد خاورشناسان (تهران: انتشارات فرهنگ گستر، ۱۳۷۹)، ص ۱۸.
۴. عمر بن ابراهیم رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم تفسیره (لریاض: دارطبیعه، ۱۹۹۲م)، ج ۲، ص ۲۳.
۵. محمد حسن زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غریبان (قم: انتشارات کتاب، ۱۳۸۵)، ص ۴۴.
۶. محمد بندرریگی، المنجدعربی - فارسی (تهران: انتشارات ایران، ۱۳۷۵)، ذیل واژه شرق.
۷. یوهان فوک، فرهنگ آکسفورد Oxford، تاریخ حرکت الاستشراق الدرسات العربیه و الاسلامیه، ترجمه: عمر لطفی عالم (بیروت: دارقتیبه، ۱۹۹۶م)، ص ۸۱۷.
۸. همان، ص ۶۳۳.

بنابراین، شرق شناسی به مفهوم مجموعه ای از آگاهی‌ها درباره شرق است. در این تعریف، شرق دارای معنایی جغرافیایی است. و در اصطلاح جغرافیایی، خاور، عمدتاً شامل کشورهای آسیایی می‌شود، اگرچه در فرهنگ آمریکایی، به احتمال بسیار تنها به خاور دور یعنی چین و ژاپن شرق اطلاق می‌گردد^۱

سه مفهوم رایج از شرق «orient east» وجود دارد: نخستین مفهوم آن، که معادل واژه انگلیسی EAST می‌باشد عبارت است از: جهت جغرافیایی هر نقطه ای که روی به جانب دمیدن خورشید دارد. و گاهی ممکن است به معنای مشرق زمین استعمال شود. و دومین مفهوم «شرق» به معنای جغرافیایی دارد، معادل کلمه انگلیسی «ORIENT» می‌باشد که عبارت است از: سمت مشرق کره زمین یعنی آسیا با اقسام سه گانه اش: خاور دور، خاور نزدیک، و خاورمیانه. اما مفهوم مشرق در اصطلاح خاورشناسی، معنایی فرا جغرافیایی داشته و ترکیبی از دومین مفهوم جغرافیایی و مفهوم فکری - عقیدتی است^۲ بنابراین چنانچه اشاره شد. «خاورشناسی» ابداع غربی است.

ب) شرق شناسی در اصطلاح

محمد حسین علی الصغیر، شرق شناسی را چنین تعریف می‌کند:

شرق شناسی عبارت از آن دسته از پژوهش‌های غربانی است که در خصوص میراث شرق و بویژه مسائلی مرتبط با تاریخ و زبان و ادبیات و هنر و علوم و عادات و سنن آن انجام می‌پذیرد.^۳

چنانچه صاحب کتاب «آراء المستشرقین حول القرآن و تفسیره» نیز شرق شناسی را همین گونه تعریف کرده است.^۴

شهید، سید محمدباقر حکیم درباره تعریف اصطلاحی شرق شناسی می‌نویسد:

حرکت استشراق یعنی حرکتی دارای جلوه‌ی فرهنگی و علمی که گروهی از غربی‌ها آن را رهبری کرده و وقت خود را در تحقیق و بررسی برای امور فرهنگی و اجتماعی و سیاسی شرق صرف کرده‌اند؛ به گونه‌ای که در حیات فرهنگی شرق تأثیر مهمی داشت.^۱

^۱ ادوارد سعید، پیشین، ص ۱۴.

^۲ تقی صادقی، پیشین، ص ۱۹؛ محمد حسن زمانی، پیشین، ص ۴۳.

^۳ محمد حسین علی الصغیر، **خاورشناسان و پژوهشهای قرآنی**، ترجمه: محمد صادق شریعت (قم: موسسه مطلع الفجر، ۱۳۷۲)، ص ۱۳.

^۴ عمر بن ابراهیم رضوان، پیشین، ج ۱، ص ۲۳.

اگرچه وجود جلوه‌های گوناگون شرق شناسی در دوره‌های مختلف تاریخی و مناطق متعدد موجب شده که هر نویسنده‌ای تعریف خاصی برای آن ارائه دهد.^۲

تمایز میان شرق و غرب در این تعاریف روشن است، اما طبق تعریف برخی از صاحب نظران اگر چه نمی‌توان معارضه کنندگان قدیمی در برابر قرآن را که غالباً مدعیان نبوت در مشرق زمین بوده‌اند مصداق «مستشرق» به اصطلاح رایج قرارداد و افرادی همچون ولید بن مغیره و طفیل بن عمرو و دیگران را جز مستشرق بحساب آورد اما طبق تعریف دیگر مستشرق که شامل هر پژوهش گروه صاحب نظر غیرمسلمان می‌باشد که راجع به اسلام اظهار نظر کرده است همه اینها مصداق مستشرق‌اند زیرا هر دو بیگانه‌ایی هستند که برخوردی با اسلام و قرآن ندارند.^۳

ماکسیم رودنسون، مستشرق پرآوازه فرانسه، شرق شناسی را این گونه تعریف می‌کند: «شرق شناسی، جهت گیری علمی برای مطالعه شرق اسلامی و تمدن آن است»^۴ ادوارد سعید درباره تعریف شرق شناسی این گونه می‌نویسد:

اگر اواخر قرن هیجدهم را به عنوان نقطه شروع بگیریم که از آن به بعد شرق شناسی را به عنوان یک نهاد ثبت شده و دارای تشخیصی که با شرق سروکار دارد مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار داد که به معنای اظهار نظر کردن درباره موضوع آن رسمیت بخشیدن به نظرات گوناگون در مورد آن، و سرانجام تعلیم دادن، تنظیم و داوری کردن درباره آن است. شرق شناسی عبارت از نوعی سبک غربی در رابطه ایجاد سلطه، تجدید ساختار، داشتن آمریت و اقتدار بر شرق^۵ است ادوارد سعید دستاوردهایی که از تعریف فوق ارائه داده عبارت می‌دانند:

۱- نقطه شروع شرق شناسی از اواخر قرن هیجدهم به وجود آمد.

۲- شرق شناسی، موضوعی صرفاً تخیلی یا علمی نیست؛ بلکه ترکیبی از آن دو است.

۳- شرق شناسی در این قالب، نهادی علمی- اجرایی را تشکیل داده است.

^۱ محمد باقر حکیم، **المستشرقون و شبهاتهم حول القرآن الکریم** (بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۵م)، ص ۱۱.

^۲ محمد حسن زمانی، پیشین، ص ۴۴.

^۳ همان، ص ۷۳.

^۴ تقی صادقی، پیشین، ص ۲۳.

^۵ ادوارد سعید، پیشین، ص ۱۶.

همچنین ادوارد سعید برای ثابت کردن این ادعا که شرق شناسی رشته ای علمی همانند سایر رشته‌ها نیست، بلکه تفاوت خاصی با آنها دارد، می‌نویسد پسوند اسم «ISM» در آخر «ORIENTLISM» برای تاکید بر تمایز این رشته از دیگر رشته‌ها است^۱

آقای تقی صادقی بعد از توضیح مفصل درباره تعریف شرق شناسی، می‌نویسد: با ملاحظه و توضیح تعریف شرق شناسی به این نتیجه می‌رسیم که شرق شناسی مکتبی است غربی که در سده هجدهم میلادی شکل گرفته و مبتنی بر اندیشه سیادت و تفوق غرب بر شرق بوده و عهده‌دار مطالعه شرق به همان مفهوم غربی آن است در این مطالعه، به مشاهدات مستقیم از شرق تکیه می‌گردد.

و در بعد اجرایی هم این مکتب، عهده دار تربیت و اداره جوامع شرقی بوده و شرق را به عنوان موضوع مشخص قابل تعلیم و آموزش و دیگران تلقی کرده و در مواقع لزوم به آموزش موضوع شرق می‌پردازد.^۲

در این تعریف و برداشت‌های صاحب نظران، برتری سیادت غرب بر شرق، خیلی روشن و واضح به نظر می‌رسد.

دکتر محمد حسن زمانی در کتاب «شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان» شرق شناسی را دو نوع دانسته و برای هر کدام تعریف خاص ارائه کرده است.

۱. تعریف جامع و عام یعنی مجموعه تلاش‌های علمی غربیان برای شناسایی و شناساندن کشورها و شرایط جغرافیایی، منابع، معادن، تاریخ، قومیت‌ها، زبان ادبیات، هنر، آداب، سنن‌ها، عادات، فرهنگ، باورها، ادیان، تمدن، ویژگی‌های روان شناختی، حساسیت‌های روحی، ابعاد خطرناک و نقاط آسیب پذیر مردم کشورهای مشرق زمین از خاور دور تا خاور نزدیک و شرق دریای مدیترانه و حتی سرزمین‌های دیگر اسلامی در آفریقای شمال و دیگر نقاط جهان، با هدف کشف ثروت‌های مادی معنوی آنان برای تامین منافع غربیان، تعریف یاد شده مفصل و جامع می‌باشد.

۲. تعریف خاص مصطح حوزه‌های علمیه و جوامع فرهنگ دینی: اسلام شناسی توسط غیر مسلمان.^۱

^۱. همان، ۹۷.

^۲. تقی صادقی، پیشین، ص ۲۸.

تاریخ پیدایش استشراق

نویسندگان راجع به آغاز شرق شناسی غربیان آرای گوناگونی ارائه کرده‌اند که به اختصار برخی از آنها را مطرح می‌کنیم:

۱- محمد حسین هیکل، آغاز شرق شناسی را به قرن اول هجری یعنی جنگ‌های مسلمانان و مسیحیت مانند جنگ موته و تبوک بر می‌گرداند.^۲

۲- نجیب عقیقی و مصطفی سباعی، قرن دهم میلادی را آغاز شرق شناسی می‌دانند به نظر آنان، راهبان و کشیشان مسیحی غربی در دوران شکوفایی اوج تمدن اسلامی در اندلس، به فرهنگ آموزی در مدارس و سپس ترجمه قرآن و آثار دیگر غربی روی آوردند و بنیاد خاورشناسی را گذاشتند.^۳

۳- رودی بارت، سال ۱۱۴۳ م. را که زمان پیدایش نخستین ترجمه از قرآن است، مبدا پیدایش شرق شناسی می‌داند.^۴

۴- دکتر عبدالله شرقاوی تشکیل مجمع کلیسای روین در سال ۱۳۱۲ م. را زمان شروع شرق شناسی معرفی کرده است.^۵

۵- برخی از مستشرقان همانند عمر بن ابراهیم رضوان، قرن شانزدهم میلادی را آغاز شرق شناسی معرفی کرده‌اند، زیرا نهادهای شرق شناسی و اسلام شناسی در کشورهای اروپایی و آمریکایی در طول چهار قرن اخیر تاسیس گشته است.^۶

۶- برخی از مستشرقان همانند عمر لطفی عالم می‌نویسد: شرق شناسی از قرن هیجدهم میلادی شروع شده است. زیرا واژه «Orientalism» در نیمه دوم قرن ۱۸ در فرهنگ کشورهای غربی وارد شد.^۷

۱. محمد حسن زمانی، پیشین، ص ۵۰-۵۱؛ احمد غراب، **رویه اسلامیة** (الریاض: الطبع و نشر الکتاب المنتدی، [بی تا])، ص ۵.

۲. محمد حسین هیکل، **زندگانی محمد(ص)**، ترجمه: ابوالقاسم پاینده (تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷۶)، ص ۳۹ و ۴۰.

۳. تقی صادقی، پیشین، ص ۳۵.

۴. محمد عبدالله شرقاوی، **الاستشراق فی الفكر الاسلامی المعاصر** (بیروت: دار الفكر العربی، ۱۹۹۳)، ص ۲۵.

۵. همان، ص ۳۰.

۶. عمر بن ابراهیم رضوان، پیشین، ج ۱، ص ۲۳.

۷. محمد حسن زمانی، پیشین، ص ۷۷.

۷- جرج مقدسی، قرن نوزدهم را آغاز زمان پیدایش مطالعات اسلامی در غرب می‌داند.^۱

۸- عده‌ای می‌گویند که غرب از قرن ۱۴م. پس از جنگ‌های صلیبی به فکر افتادند که به جای جنگ نظامی به شناسایی فرهنگ مشرق زمین بپردازند تا بر اساس دستاوردهای پژوهشی شرق شناسی راه‌های واقع بینانه تری را برای تعامل با شرق داشته باشند.^۲

چنانچه ملاحظه شد، نظرات صاحب نظران درباره پیدایش و شروع شرق شناسی، گسترده زمانی وسیعی را از قرن اول هجری (با پیدایش اسلام) تا قرن نوزدهم میلادی شامل می‌شود. به نظر می‌رسد لازم نیست در این موضوع اختلافی، یک نظریه تایید و بقیه تخطئه گردد. زیرا هر کدام از صاحب نظران یکی از جلوه‌های شرق شناسی را مورد نظر قرار داده و آغاز همان جلوه را آغاز تاریخ شرق شناسی دانسته‌اند. به تعبیر دیگر هر کدام تعریف خاصی از شرق شناسی را ارائه و تاریخچه همان را تعیین کرده‌اند.

هر کدام از این جلوه‌ها می‌تواند نشان دهنده یک دوره از استشراق باشد. پس بهتر است دوره‌های استشراق، شناسایی و به عنوان آغاز اصلی شرق شناسی تعیین گردد.

مراحل پدید آمدن استشراق

شرق شناسی، مراحل دوره‌های مختلفی را طی کرده است. در برخی از منابع، شرق شناسی به سه دوره تقسیم شده است. جدیدترین تقسیم بندی‌ها مبتنی بر چهار مرحله است:

۱- نخستین مرحله استشراق پس از فتح اندلس به دست مسلمانان و شکوفایی حیات علمی در آن دیار آغاز می‌شود؛ یعنی زمانی که مسلمانان از نظر علمی به درجه تکاملی خیلی بالا رسیدند و مردم اروپا متوجه شدند که نظر علمی، تفاوت‌های زیر بنایی با مسلمانان دارند. این دوره پس از فتح اندلس و جزایر دریای مدیترانه و جنوب ایتالیا آغاز می‌شود و با اتمام جنگ‌های صلیبی پایان می‌پذیرد.^۳

^۱ . تقی صادقی، پیشین، ص ۳۵.

^۲ .محمد حسن زمانی، پیشین، ص ۷۹.

^۳ . ادوارد سعید، پیشین، ص ۶۱.

۲- دوره دوم شرق شناسی پس از جنگ‌های صلیبی با ترجمه قرآن از عربی به لاتین توسط ماراتچی شروع می‌شود. این ترجمه منشأ ترجمه‌های بعدی قرآن در اروپاست. این دوره تقریباً تا نیمه هیجدهم میلادی ادامه پیدا می‌کند.

از ویژگی‌های این دوره آن است که غربیان برتری شرقیان را به رسمیت می‌شناسند. این مسئله در مقالات و تالیفات آنان مشخص است. در این دوره، غربی‌ها توجه مضاعفی به زبان عربی و تمدن اسلامی دارند؛ مثلاً از طریق اعزام دانشجویان تحت عناوین مختلف به کشورهای اسلامی می‌خواهند با زبان عربی آشنایی دقیق پیدا کند تا از آن در اهداف مثبت و منفی خود، بهتر بهره ببرند. انتقال میراث اسلامی در قالب و به طور کلی مشخصه‌های تمدن اسلامی به اروپا است.

پس می‌توان گفت که ستیز گسترده با اسلام و آغاز شروع ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف اروپایی، از مشخصات این دوره است.^۱

۳- دوره سوم از نیمه سده هیجدهم میلادی آغاز می‌شود و تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه دارد. در این دوره، واژه «شرق شناسی» با اصطلاحات «اورین تالیسم» یا «استشراق» وارد فرهنگ‌ها شده است. شرق شناسی در این دوره از تاریخ خود علاوه بر زشت نمودن چهره اسلام در میان اروپائیان و دیگر مردم جهان، توانست نقش مهمی در خدمت به سیاست استعماری غرب و شوراندن افکار عمومی علیه آرا و عقاید اسلامی کند و به همه کسانی که از این راه، در سراسر جهان دشمنانه و ظالمانه علیه اسلام تبلیغ کردند، یاری رساند.^۲

۴- دوره چهارم شرق شناسی، بعد از جنگ جهانی دوم شروع می‌شود. در این دوره رویکردها و رهیافت‌ها و جهت‌گیری‌های شرق شناسان دستخوش تغییراتی شد که تاکنون ادامه دارد.^۳

دکتر زمانی درباره پیدایش شرق شناسی و مراحل شکل‌گیری آن، نظر خاصی دارد. وی آغاز شرق شناسی را قرن ششم قبل از میلاد مسیح می‌داند، اولین رابطه‌ای که در تاریخ بین شرق و غرب در پی رابطه تجاری دوران کنعانی‌ها به وجود آمد، کشاکش قدرت در قرن ششم میلادی

۱. محمدحسن زمانی، پیشین، ص ۷۸.

۲. ادوارد سعید پیشین، ص ۸۸.

۳. همان، ص ۶۲.

بین حکومت ایران و یونان بود. یونانیان از آن دوره به «شناخت شرق» نمودند تا رقیب خویش را شناخته و راه‌های مقابله و دفاع و تهاجم را بیابند.^۱

در طی آن دوره، و یک قرن بعد، نخستین حرکت استشرافی آغاز می‌شود و اسکندر مقدونی، پادشاه جهان گشای یونانی، تمام کشورهای شرق را فتح می‌کند. شرق شناسان، پیشاپیش این ارتش بزرگ غرب برای تسلط بر شرق، در خدمت او بودند. شرق شناسان اطلاعاتی را که از کشورهای شرق به دست آورده بودند، در اختیار اسکندر گذاشتند و او با استفاده از این اطلاعات پیش رفت تا به پشت دروازه‌های چین رسید. اسکندر در جوانی از دنیا رفت و پیشروی او، متوقف شد.

به این دلیل، دکتر زمانی معتقد است که در قرن ششم قبل از میلاد، جریان تاریخی شرق شناسی آغاز شده است و این آغاز به عنوان رقابتی دیرینه بین دو اقلیم شرق و غرب بود. وی نام این دوره را دوره اول شرق شناسی نام نهاده است. بعد از ولادت، حکومت به دست کشیشان افتاد.^۲

پس از ظهور اسلام، فتوحات اسلامی در دو قرن اول توانست تا فرانسه پیش رود. اسپانیا و بخشی از فرانسه به راحتی اسلام را پذیرفتند و کلیسا و حاکمیت غرب احساس کرد که در این منازعه، غرب به سختی، زمین خورده است. دین تحریف شده مسیحیت که پر از خرافات بود، قابلیت رویارویی قوت ایمان مسلمانان هم با آنان قابل مقایسه نبود. این شکست در قرن دوم و سوم هجری رخ داد.

وی این دوره را دوره دوم شرق شناسی می‌داند که سیمای آن عوض می‌شود و سیمای اسلام شناسی پیدا می‌کند و شرق شناسی از ماهیت تجاری و سیاسی به شرق شناسی اسلامی مبدل می‌شود. اسلام شناسی و شرق شناسان قبل از جنگ‌های صلیبی در قرن دوم پیدا می‌شوند. یوحنا دمشقی، در قرن دوم هجری در دستگاه حکومت امویان در شام حضور پیدا کرد و اسلام شناسی را آغاز کرد و کتاب‌های مناظره با مسلمان و راه گفتگو و جدل کردن با مسلمانان را علیه اسلام

^۱. محمد حسن زمانی، پیشین، ص ۸۱

^۲. همان، ص ۱۳۸.